



# یکصدسال مبارزه روحانیت مرفعی

جلد دوم

۲۵۷

عقیقی بخشایشی : «... کاشانی مرد سیاست و دین»

عقیقی بخشایش



یکصدسال مبارزه روحانیت مترقی  
از میرزای شیرازی تا امام خمینی  
نوشته: عقیقی بخشایشی  
مشخصات چاپ:

xalvat.com

محل چاپ: موسسه اطلاعات (ایرانچاپ)

تیراژ: ۴۰۰ هزار

مرکز نشر: قم دفتر نشر نوید اسلام تلفن ۵۱۸۵

پخش تهران: انتشارات شهید مهدان انقلاب اول خیابان انقلاب تلفن: ۶۶۱۲۳۲



## فهرست مطالب کتاب

پیشگفتار .....	صفحه ۲
شیخ محمد خیابانی رزمنده آذربایجان .....	۶
سید جمال الدین واعظ اصفهانی .....	۱۵
ملک المتکلمین گوینده بی باک .....	۲۹
گسترش مبارزات روحانیت در آفاق دیگر .....	۳۶
شیخ محمد عبده .....	۴۸
شیخ عبدالرحمن کواکبی .....	۴۱
شیخ محمد دشتوت استاد و رئیس دانشگاه الازهر .....	۳۳
تهست روحانیت معاصر .....	۳۶
آیت الله کاشانی مرد دین و سیاست .....	۵۰
شادروان دکتر محمد مصدق در کنار آیت الله کاشانی .....	۵۵
زمینه مبارزات روحانیت معاصر در انقلاب کبیر اسلامی ایران .....	۶۱



- ۶۸..... آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری
- ۶۹..... آیت الله العظمی بروجردی.....
- ۷۳..... آیت الله العظمی حاج سیدروح الله امام خمینی.....
- ۷۴..... آیت الله العظمی حاج سید کاظم شریعتمداری.....
- ۷۵..... آیت الله العظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی.....
- ۷۶..... آیت الله العظمی سید شهاب الدین نجفی مرعشی.....
- ۸۲..... پانزدهم خرداد آغاز انقلاب.....
- ۹۷..... نقش رهبری مثلث حوزه علمیه قم.....
- ۱۰۸..... چهره های معاصر روحانیت.....
- ۱۱۴..... اقدامات و اعلامیه های حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی.....
- ۱۱۴..... نامه به ارتشید اطهارى.....
- ۱۱۸..... نامه به شاپور بختیار.....
- ۱۲۲..... گفتار استاد مرتضی مطهری.....
- ۱۲۴..... نقش رهبری مثلث حوزه علمیه قم.....
- ۱۲۷..... شهیدان راه حق و فضیلت.....
- ۱۳۴..... خطابه ارزنده آیت الله رزمنده طالقانی در منرسه فیضیه.....
- ۱۳۹..... تبشیر آیت الله طالقانی.....
- ۱۴۱..... خاطرات تحصیل.....



۱۴۲.....	تسیم آزادی.....
۱۴۳.....	انجمن شهر و روستا.....
۱۴۴.....	مسئله کردستان.....
۱۴۶.....	مسئله کمونیستها.....
۱۴۶.....	پیام.....
۱۴۸.....	عبیت من.....
۱۵۰.....	آیت الله العظمی آخوند معصومی.....
۱۵۲.....	نقش و عاظ و گویندگان.....
۱۵۵.....	خطیب دانشمند جناب آقای فلسفی.....
۱۵۸.....	استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری.....
۱۵۹.....	استاد مطهری و حسینیه ارشاد.....
۱۶۱.....	اثار و مبارزات قلمی استاد مطهری.....
۱۷۱.....	شکوة وحدت مشتی بردهان یارده گویان.....
۱۷۵.....	برخی از آثار و تالیفات نویسنده کتاب.....
۱۷۶.....	انتشارات دفتر نشر.....
۱۷۷.....	فهرست کتاب.....
۱۸۰.....	پایان کتاب.....



## آیه‌الله کاشانی

مبارزات آشکار و نهان روحانیت، در دوران معاصرما، با نام آیت الله کاشانی آغاز میشود و گفتاری که در مورد تلاش نیروهای استعماری برای تخطئه شخصیت های مبارز و ملی و روحانی داشتیم، در مورد این روحانی مبارز چهره آشکاری دارد. آیت الله کاشانی که در تاریخ مبارزات اسلامی و ملی دوران معاصر، نام تاریخی و درخشانی دارد از جمله شخصیت های مبارز و مجاهد و از روحانیون مترقی و متعهد عصر اخیر است که با وجود آن همه مبارزات و مجاهدات خستگی ناپذیر، بخصوص مبارزه برای «تزه» احیای حکومت اسلامی و تلاش علمی و عملی در راه تحقق این آرمان پراج باز چهار چنین سرنوشتی از سوی توطئه گران غربی و شرقی شده است و عجیب نیست که سخنان ضد و نقیض و گفتگوهای بحث انگیز فراوانی درباره اش می شنویم.

او نخستین روحانی مبارزی است که پس از آن همه تبلیغات سوء در مورد جدایی دین از سیاست، که در دوران رضاشاه اعمال میشد و از طرف استعمارگران خارجی تقویت میگردد - و در بحران کوبیدن مقدسات اسلامی از طرف غرب چپاولگر، سکوت چند سانه را شکست و شجاعانه پیاخاست. وی، در زمانی که حکومت اختناق به اوج خود رسیده بود، قیام کرد، تهضتی ملی و اسلامی را پایه گذاری کرد و گروه رزمندگان اسلامی و فدائیان جانباز را زیر پال خود گرفت.



آیه الله کاشانی



جلد ۲

یکصدسال مبارزه روحانیت مترقی

از آنجا که سال‌ها سعی شده بود تا طبق برنامه‌های حساب شده استعماری انگلیس و با قدرت دیکتاتوری رضاشاه که منبث از حمایت انگلیس بود روحانیت از عرصه سیاست جدا بماند. یکی از برنامه‌هایی که آیت الله کاشانی اجرای آن را وجهه همت خویش قرار داد، این بود که حصار جدایی دین و سیاست را فرو ریزد و روحانیت را به مداخله جدی و دامنه دار، در امور سیاسی و اجتماعی تشریق کند.

وی که مبارزات سیاسی و ضد استعماری و ضد استبدادی خود را، از جوانی، در کشور اسلامی عراق آغاز کرده و در این راه تجربیات فراوان و ارزنده‌یی اندوخته بود، وقتی مبارزات خود را در ایران ادامه داد، مورد تائید طبقات مختلف مردم قرار گرفت، چنانکه هر سخن او، برای ملت، حکم فتوایی لازم الاجرا و قطعی را پیدا میکرد و بنا به عقیده عمال و کارگزاران حکومت استبدادی، در آن روز و روزگار، ملت ایران، چشم پنهان آیت الله کاشانی دوخته بود، تا آنچه را که او میگوید و میخواهد، با جان و دل انجام دهد.

آیت الله کاشانی، سال ۱۳۰۳ هجری قمری، قریب یک قرن پیش، در تهران متولد شد. سال ۱۳۱۹، هنگامی که نوجوانی ۱۶ ساله بود، همراه پدرش به عراق رفت و در شهر مقدس نجف اشرف به ادامه تحصیل پرداخت. او یکی از شاگردان مکتب تربیتی مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بود و در آن مکتب، در میان شاگردان آن معلم کم نظیر، مرتبه‌یی والا یافته بود، در عنفوان جوانی، یعنی هنگامیکه تازه ۲۵ ساله بود، به مقام عالی اجتهاد نائل آمد که این خود گواهی صادق و شاهدهی زنده بر اصالت روح اسلامی و اندیشه‌های دینی و قدرت روحی آن عالم مجاهد بشمار میرود.

وی در جریان جنگ جهانی اول، به سال ۱۹۱۴ میلادی، هنگام حمله سربازان انگلیسی به منطقه عراق، در جنگ شرکت جست و مدت ۱۸ ماه در منطقه «کوت العماره»، با تلاش بسیار و از جان گذشتگی تحسین انگیزی توانست پیشروی نیروهای مهاجم را با پشتیبانی ملت عراق و همراهی و هم‌رزمی دیگر علما متوقف سازد.





یکصدسال مبارزه روحانیت مترقی  
 در گروه مدافعین آن روز منطقه اسلامی عراق، چهره های مبارز ارزنده یی  
 همچون آیت الله سید مصطفی کاشانی (پدر) آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی،  
 آیت الله سیدعلی داماد، آیت الله سید محمد سعید حبیبی که همگی از علمای  
 طراز اول روحانیت و از مراجع عالیقدر اسلام بودند، شرکت فعال و موثر  
 داشتند. در میان اینان، آیت الله کاشانی، از همه ی رهبران مذهبی مجاهد و مبارز،  
 جوان تر و پرشور تر بود، که در صف اول پیکار قرار داشت و در این راه  
 مشکلات فراوانی تحمل کرد و تا آخرین روزهای جنگ، دمی از پای نشست.  
 گروه علمای مجاهد، با صادر کردن حکم جهاد و بسیج عمومی، مردم عراق را  
 به جبهه جنگ فراخواندند و خود نیز پیشاپیش آنان به مقابله بانبروهای مهاجم  
 بیگانه و دفاع از حدود و ثغور منطقه اسلامی پرداختند.  
 شرکت فعال و موثر گروه رهبران مذهبی در این ستیزه، دیگر احاد ملت را به  
 شور و هیجان می آورد و به آنان، هردم، نیروی تازه یی برای ادامه پیکار میداد.  
 از همین رو بود که آنان، با عملیات چریکی و تحرک فوق العاده یی که هم از خود  
 نشان میدادند و هم در دیگران ایجاد میکردند، توانستند ارتش نیرومند انگلیس را  
 فلج و ناتوان کنند.

بعد از فرونشستن شعله های آتش جنگ، آیت الله کاشانی همچنان به مبارزات  
 خود ادامه داد. این بار، آماج و هدف مبارزات لوه نیروی استعمارگر غرب بود که  
 میخواست چنگال خون آلود خود را بر گلوی مثل مستضعف، بخصوص ملت های  
 اسلامی بفشارد.

در دنباله این سلسله مبارزات بود که آیت الله کاشانی به ایران آمد و این بار،  
 مبارزات خود را، در این سرزمین که به منطقه نفوذ و عملیات استعماری غرب،  
 بخصوص انگلیس مبدل شده بود، در سطحی گسترده و بگونه یی پر دامنه ادامه  
 داد.

نقش فعال و کوشش های خستگی ناپذیر او در سیاست ایران نیز چشمگیر و  
 قابل توجه است. به یک تعبیر، می توان او را، آغازگر مبارزات ضد استعماری  
 انگلیس در ایران نامید. وی که در این راه، چهره یی شناخته شده و باعث هراس



جلد ۲

## یکصدسال مبارزه روحانیت مترقی

نیروهای استعمارگر بیگانه بود، پس از اشغال ایران بوسیله متفقین، توسط انگلیس ها که برنامه وسیعی برای تصفیه مخالفین خود تدارک دیده بودند بازداشت و زندانی شد. وی مدت دو سال در شهرهای اراک، رشت و گرمانشاه (قهرمانشهر) محبوس بود و در تمام این مدت، با او رفتاری سخت و همراه با اذیت و آزار فراوان داشتند.

آیت الله کاشانی، پس از آزادی از زندان متفقین نیز دست از مبارزات خود برنداشت و در ادامه این مبارزات، در زمان نخست وزیری قوام السلطنه، بار دیگر دستگیر شد و این بار به تبعید از تهران محکوم گردید و مدت ۱۸ ماه، به صورت تبعیدی در قزوین بسر برد.

در سال ۱۳۲۷ شمسی، هنگام نخست وزیری «ساعده» محمد رضاشاه در دانشگاه تهران هدف گلوله قرار گرفت ولی ازین واقعه، جان سالم بدر برد. در پی این ترور ناموفق، بار دیگر آیت الله کاشانی بازداشت شد و این بار او را مدتی در قلعه فلک الافلاک محبوس ساختند و سپس به لبنان تبعیدش کردند.

وی که معتقد به «تن» وحدت و ارتباط دین و سیاست بود و تفکیک و جدایی این دو را از نقشه‌های خائنانه‌ی استعمارگران غربی میدانست، پس از بازگشت از تبعید لبنان، مبارزات خود را در سطحی بسیار گسترده تر، و در شکلی بسیار جدی تر و پیگیرتر دنبال کرد، چنانکه این بار، با همراهی و همگامی دکتر محمد مصدق و طرفداران جدی او، ستک بنای پیروزی نهضت ملی ایران را مستحکم ساخت. وی که حتی در مدت ۱۸ ماه تبعید در لبنان نیز ارتباطش را با ملت ایران قطع نکرد و با ارسال پیام‌ها و اعلامیه‌ها، ملت را در جهت پیشبرد نهضت اسلامی تشویق و ترغیب میکرد، هنگام بازگشت به ایران، چنان مورد استقبال پرشور و حیرت‌انگیزی قرار گرفت که حتی دشمنان و مخالفانش گفتند این طرز استقبال پرشکوه ملت نشان میدهد که آیت الله کاشانی، نبض تپیده نهضت ملی را در دست دارد و این موج خروشان ملت را می‌تواند به سوی قله پیروزی رهنمایی و راهبری کند.

عقیقی بخشایشی : «... کاشانی مرد سیاست و دین»



... در عظیم خلوت من

info@xalvat.com

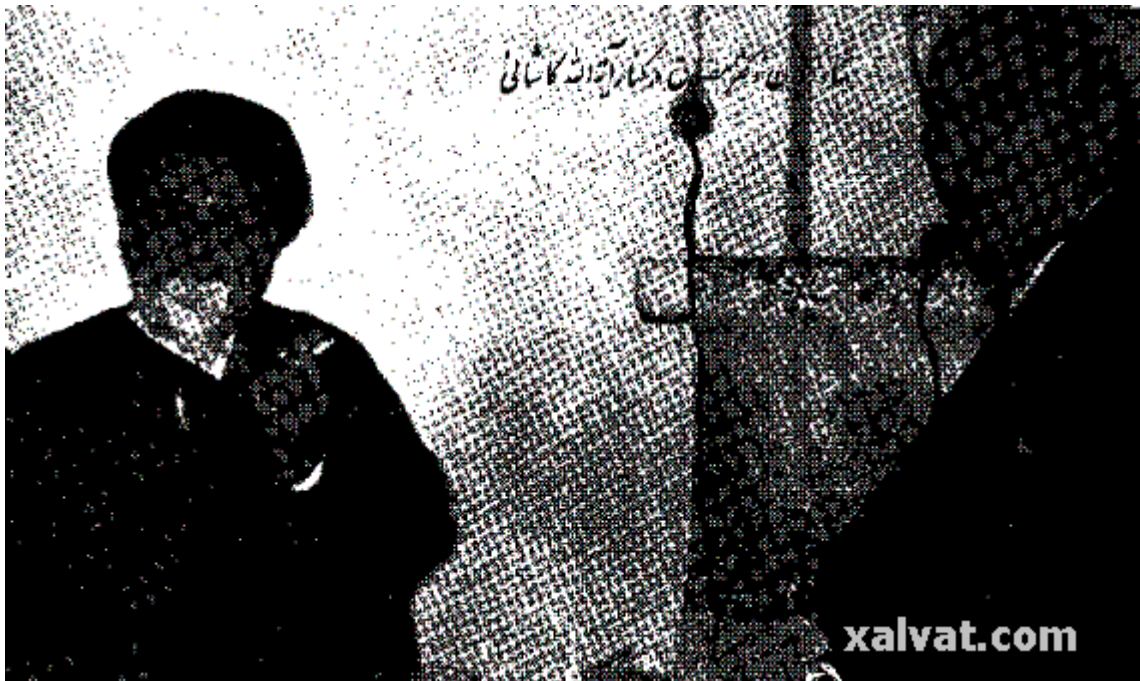
http://xalvat.com

نشر دیگران

<http://xalvat.com>

[xalvat@xalvat.com](mailto:xalvat@xalvat.com)

<http://xalvat.com/xalvat7/Nasher-eDigaran>





جلد ۲

یکصدسال مبارزه روحانیت مترقی

در پی این بازگشت پیروزمندانه بود که وی با برنامه‌ی دقیق، بخش مهمی از نهضت ملی را رهبری کرد و در همین راه است که گفته شده: آیت الله کاشانی یکی از بنیانگذاران مبارزات ملی شدن صنعت نفت بوده است، چنانکه اگر نهضت بزرگ اسلامی که پایه گذاری کرده بود، شکست انگلیس‌های غارتگر، اگر غیر ممکن نبود، باری، بسیار دشوار و دور از دسترس می بود.

در نهضت ملی ایران که حدود سی سال پیش پا گرفت و ربع قرن پیش، هنگامی که به اوج خود رسیده بود و میرفت تا با پیروزی نهایی پهلو بزند، با کودتایی آمریکایی، سقوط کرد، دین و سیاست، دست هم داده بودند تا ریشه ظلم و استبداد داخلی و فشار و استعمار خارجی را بخشکانند. در آن نهضت بزرگ، ستون سیاست را دکتر محمد مصدق استحکام می بخشید و ستون دین را آیت الله کاشانی همراهی و همگامی این دو مبارز، که متأسفانه تا پایان کار دوام نیاورد و با سیاست‌های استعماری و توطئه‌های بیگانگان، ارکان آن متلاشی شد، در آغاز نهضت را چنان پایه گذاری کرده بود که حتی بدبین‌ترین دشمنان خارجی و معاندان داخلی، کمترین تردیدی در پیروزی آن نداشتند.

در همین مسیر بود که نهضت ملی ایران، واقعه بزرگ و تاریخی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ را پیش آورد و برای اولین بار، بطور جدی و محکم، به عامل و عمال استبداد و استعمار نشان داد که خلق اگر آحاد و افراد آن با هم متحد و یکپارچه و متفق باشند، بزرگترین نیروی ویران کننده ظلم و سازنده آبادی و آزادی است. در واقعه ۳۰ تیر که قدرت خلق متحد، شاه و حامیان و ارباب‌بهایش را به زانو در آورد، قوام السلطنه - نخست وزیر تحمیلی بیگانه و مورد حمایت شاه - سقوط کرد و ناچار شد همراه با کابینه غیر مردمی اش عرصه را خالی کند و میدان سیاست را به دکتر مصدق و یاران پاک و رزمنده اش بسپارد. در این واقعه، که میتوان و باید از آن بعنوان نقطه عطفی در تاریخ نهضت‌های ملی و اسلامی ایران نام برد، یکی از قطب‌های مهم و جذب کننده، آیت الله کاشانی و نفوذ معنوی وی در میان مردم بود.

باتوجه بهمین اعتماد و اطمینان پرشکوه مردم بود که آیت الله کاشانی - که همچون سید جمال الدین اسدآبادی و بسیاری از چهره‌های برتر دین و سیاست -



یکصدسال مبارزه روحانیت مترقی طرفدار وحامی تز اتحاد مسلمین بود، به فکر تشکیل یک کنگره اسلامی در دوران نهضت ملی افتاد اما با آنکه حتی مقدمات تشکیل این کنگره را تدارک دیده بود، بحران های پی در پی که در اوضاع و احوال جاری مملکت پیش می آمد، مجال تحقق آن را نداد، و دریغاً که این اندیشه گرامی، جامه عمل نپوشیده باقی ماند.

[xalvat.com](http://xalvat.com)

تاثیر مبارزات آیت الله کاشانی، بر پیکر حکومت استبدادی شاه، چنان لرزه بر انداز و برانگیز بود که شاه نه تنها میکوشید با تمام قوای خود و اربابان و حامیان خارجی اش با او مبارزه کند و از میانش بردارد، بلکه تا سالها پس از درگذشت آیت الله هم، از بدگویی و حتی دشنام گفتن به این روحانی مبارز خودداری نمی کرد. خصومت و کینه ورزی شاه نسبت به آیت الله چنان بود که تنها در دوران قدرت جهنمی او کسی حق نداشت نام او را به زبان آورد و کلمه یی درباره اش بنویسد، بلکه حتی دستور داده بود که عکس او نیز از ردیف عکس های روسای مجلس شورای ملی که در ساختمان مجلس نگهداری میشوند، برداشته شود.

گرچه کودتای ننگین آمریکایی ها در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ باعث شد که فضای اختناق بر کشور ما حکمفرما شود و با استقرار دولت کودتا، مردان سیاست یا کشته شدند، یا محبوس و زنجیری گردیدند یا از عرصه سیاست کنار گذاشته شدند، ولی باز آیت الله کاشانی، در همان فضای سیاه سهمگین، دست از مبارزات خود برنداشت، هنگامی که دولت غاصب زاهدی، نخست وزیر کودتا، بنای تجدید رابطه سیاسی با انگلیس را میگذاشت، باز این آیت الله کاشانی بود که در سخت ترین شرایط، ملت مسلمان را علیه ستمگریهای حکومت وابسته به خارج زاهدی و پیدادگریهای شاه برانگیخته و فریاد حق طلبی و آزادیخواهی آنان را به آسمان رسانید.

به سال ۱۳۳۴ پس از موفقیت خون آلود کودتای ۲۸ مرداد، که اکنون ارکان خود را در موج خون قربانیانش استوار کرده بود، هنگام بهره برداری از این پیروزی نظامی امریکا در ایران، فرارسیده بود، امریکایی ها که در ایران کودتا کرده، توسط یکی از نوکران قدیمی خود، سپهبد زاهدی، حکومت را در دست گرفته بودند و شاه



جلد ۲

یکصدسال مبارزه روحانیت مترقی

فراری را بازگردانده بودند تا بار دیگر اورا به صورت مالک الرقاب ایران فرآورند و در سایه قدرتش هر آنچه می‌خواستند در ایران انجام دهند و از مرزهایش خارج کنند، اینک می‌خواستند حاصل پولهایی را که خرج کرده بودند و نیروی انسانی را که به تلاش واداشته بودند، به صورت ارقام محسوس و ملموس ببینند. از این رو بود که مساله قرارداد نفتی کنسرسیوم مطرح شد. این قرارداد، چنان تنظیم شده بود که حاصل تمامی تلاش‌ها و جانفشانی‌های مصدق را برای ملی کردن نفت و رساندن منافع آن به آحاد ملت ایران، ناپود می‌کرد. آنهمه مرارت و سختی و جنگ و ستیز، آنهمه مبارزه و مقاومت، آنهمه تلاش و فداکاری از یکسره پایمال می‌ساخت و در عوض، تمامی منافع نفتی ایران را به جیب اربابان آمریکائی، و روسای امپریالیست و صهیونیست سرازیر می‌کرد. ملت هوشیار ایران، که هرچند نهضت ملی ایران، به رهبری دکتر محمد مصدق بر هوشیاری و آگاهی‌اش افزوده بود در عوض کودتای نظامی آمریکایی‌ها، در تنگنا و وحشت قرارشان داده، فریادهایشان را در گلو خفه کرده بودند اینک می‌دانستند که قرار داد کنسرسیوم خون آنها را در شیشه خواهد کرد و حاصل سالها تلاش و مبارزه و جانفشانی‌شان را به هنر خواهد داد و همه را، به جیب «ارباب‌ها» خواهد ریخت، اما نمیدانستند که در مقابل آن، چه باید کرد چگونه باید ایستادگی و مقاومت نشان داد.

xalvat.com

یکبار دیگر ملت ایران، به قدرت و هوشیاری رهبری روحانیت آگاه و مبارز احتیاج پیدا کرد، و یکبار دیگر، روحانی مبارز به یاری این گروه آگاهان، اما آگاهان مستضعف، هشیاران به استضعاف کشیده شده شتافت. یکبار دیگر مبارز سرشناس و روحانی آرام ناپذیر، آیتالله کاشانی به پاخاست و این بار، باز آیتالله کاشانی بود که وظیفه دینی، مذهبی، تاریخی، ملی، میهنی و اجتماعی خود دانسته که گام به میدان بگذارد و چهره راستین قرار داد کنسرسیوم را از پشت پرده بیرون بکشد و در معرض قضاوت همگان بگذارد. این بار تیز آیه الله کاشانی با صدور بیانیه‌ها و اعلامیه‌های تند و تیز، هشدار دهنده و آگاه کننده‌اش قرار داد کنسرسیوم را به شدت محکوم کرد و بی اعتبار بودن آن را از نظر ملت، به جهان و جهانیان



## یکصدسال مبارزه روحانیت مترقی

### اعلام کرد

آیت الله کاشانی، حتی گام از این هم فراتر گذاشت و اعلام کرد ملت ایران در مقابل این قرارداد ساکت نخواهد ماند بلکه بزودی قدرت لازم را به دست خواهد آورد و با استفاده از حق حاکمیت ملی، که به زور سرنیزه از دستش خارج شده است، تمامی خیانتکاران که با امضاء این قرارداد منافع ملی را زیر پا گذاشته‌اند به مجازات خواهد رسانید.

مبارزات آیت الله کاشانی در مورد قرارداد کنسرسیوم و بی‌آمدهای آن، یک سال تمام با شدت و قدرت ادامه داشت. تا آن که سرانجام در سال ۱۳۳۵ بار دیگر شاه دستور داد او را دستگیر کنند.

این آخرین باری بود که آیت الله کاشانی دستگیر و زندانی میشد. و در همین هنگام بود که شاه نقشه نابودی او را کشید و دستور داد که در زندان، او را سربه نیست کنند و خیال همه کسانی را که سالها با او مبارزه داشتند راحت سازند. دژخیمان زندان های شاه، خود را آماده «اجرای اوامر ملوکانه» کرده بودند که علمای روحانیت با هشیاری همیشگی خود متوجه موضوع شدند و به شاه اخطار کردند که با انجام این عمل، کشور را به گورستانی بدل خواهد کرد، چرا که دیگر با هیچ وسیله بی‌نمی‌توان ملتی را که پیشوای «سیاسی - مذهبی» خود را از دست داده است ساکت کرد.

فشار علمای اعلام و بسیج افکار عمومی و تظاهرات گسترده توده های مردم و انتشار اعلامیه ها و بیانیه ها و شب نامه هایی در این مورد، باعث شد که شاه «چار وحشت گردیده و از کشتن آیت الله کاشانی منصرف شود»

ولی با این حال مدت درازی از عمر طبیعی آیت الله کاشانی باقی نمانده بود وی در اسفندماه سال ۱۳۳۰ دعوت پروردگارش را لبیک گفت و چشم از جهان فرو بست.

آیت الله کاشانی، هنگام وداع با دارفانی، برامتی از مال دنیا چیزی نداشت. در همان خانه بی که خود در آن تولد یافته و بزرگ شده بود، همان خانه بی که بعدها به او ارث رسیده و خاطرات بیش از نیم قرن زندگی و مبارزات او را در خود داشت



جلد ۲

یکصدسال مبارزه روحانیت مترقی

خانه بی بود که آیت الله کاشانی آخرین روزها و دقائق عمر خود را در آن گذرانده بود و اکنون نیز در یکی از اتاق‌های آن چشم از جهان می‌پست و این درحالی بود که همین خانه، در مقابل ده هزار تومان، نزد بانک به رهن گذاشته شده بود؛ آری، بزرگان و پیشوایان، چنین زندگی می‌کنند: آرام و بی تکلف، بی نشان از مال دنیا، ولی سراسر نشانه‌هایی از آنچه به معنویت زندگی انسانها مربوط است.